

## سیم-لوله ای آرمانی، که بینهایت-دراز نیست

mamwad@mailaps.org

محمد خرمی

سیم-لوله ای آرمانی بررسی میشود که بینهایت-دراز نیست. میدان مغناطیسی و خُذ-القایی ی این سیم-لوله به دست میآیند و حالتها ی حدی مطالعه میشوند. برای حالتها یی که مقطع سیم-لوله یک دایره، یا دُخط-راست موازی-با-هم است، محاسبه با تفصیل بیشتر انجام میشود و نتایج ی صریحتر به دست میآیند.

### 0 هندسه ی مسئله

#### یک استوانه (ی محدود):

درون استوانه را با  $\mathbb{V}$ ، قاعدهها ی آن را با  $\mathbb{S}_+$  و  $\mathbb{S}_-$ ، و ارتفاع استوانه را با  $h$  نشان میدهم. محور  $z$  را موازی با محور استوانه میگیرم، چنان که بردار یکه ی عمود بر  $\mathbb{S}_\pm$  به سوی بیرون استوانه  $(\hat{z})$  است، که  $\pm$  مقادیرها ی  $+$  و  $-$  را میگیرد. بردار یکه ی عمود بر سطح جانبی ی استوانه را با  $\hat{n}$  نشان میدهم، و  $e$  را بر سطح جانبی ی استوانه چنین تعریف میکنم.

$$\hat{e} = \hat{z} \times \hat{n}. \quad (1)$$

سیم-لوله ای آرمانی، که بینهایت-دراز نیست

$e$  بر سطح جانبی ی استوانه مماس، و بر محور استوانه عمود است، و  $(\hat{n}, \hat{e}, \hat{z})$  یک کنج یک-متعامد راست-گرد است. بردار مکان را با  $\mathbf{r}$ ، و تصویر آن بر صفحه ای عمود بر محور  $z$  را با  $\boldsymbol{\rho}$  نشان میدهم:

$$\mathbf{r} = \boldsymbol{\rho} + z \hat{z}. \quad (2)$$

مبدئاً را هم، هم-فاصله از قاعدها ی سیم-لوله میگیرم.

## 1 سیم-لوله ی آرمانی

سیم-لوله ی آرمانی یک استوانه است، که از آن یک جریان-سطحی ی سمتی میگذرد:

$$\mathbf{J}_s(\mathbf{r}) = J_s \hat{e}(\mathbf{r}). \quad (3)$$

که  $J_s$  چگالی ی این جریان-سطحی ست، و  $J_s$  ثابت است. جریان-سطحی ی این سیم-لوله متناظر است با مغناطیدگی ی  $\mathbf{M}$ :

$$\mathbf{M} \times \hat{n} = \mathbf{J}_s. \quad (4)$$

مغناطیدگی را چنین میگیرم.

$$\mathbf{M}(\mathbf{r}) = J_s [\delta_{\mathbb{V}}(\mathbf{r})] \hat{z}. \quad (5)$$

که  $\delta_{\mathbb{V}}$  درون استوانه یک و بیرون استوانه صفر است:

$$\delta_{\mathbb{V}}(\mathbf{r}) = \begin{cases} 1, & \mathbf{r} \in \mathbb{V} \\ 0, & \mathbf{r} \notin \mathbb{V} \end{cases}. \quad (6)$$

یا،

$$\delta_{\mathbb{V}}(\mathbf{r}) = \int_{\mathbb{V}} (dV') \delta(\mathbf{r} - \mathbf{r}'). \quad (7)$$

$\delta$  دلتا ی دیرک [1] است. برای  $M$  ی که با 5 تعریف شده، 4 برآورده میشود؛ و البته  $(\nabla \times M)$  هم درون و بیرون استوانه صفر است. که یعنی جریان - حجمی ی متناظر با این مغناطیدگی صفر است. این مغناطیدگی متناظر است با یک بار سطحی بر قاعدها ی استوانه. چگالی ی این بار را با  $\sigma$  نشان میدهم:

$$\sigma(\mathbf{r}) = \varepsilon J_s, \quad \mathbf{r} \in S_s. \quad (8)$$

با این بار - سطحی، میشود  $B$  (میدان مغناطیسی) را چنین حساب کرد.

$$B = \mu_o (H + M). \quad (9)$$

$$H = -\nabla \phi. \quad (10)$$

$$\nabla \cdot \nabla \phi = -J_s [\delta_{S_+}(\mathbf{r}) - \delta_{S_-}(\mathbf{r})]. \quad (11)$$

که،

$$\delta_S(\mathbf{r}) = \int_S (dS') \delta(\mathbf{r} - \mathbf{r}'). \quad (12)$$

$H$  چگالی ی گردش مغناطیسی، و  $\phi$  پتانسیل - اسکالر مغناطیسی ست. از (11) نتیجه میشود

$$\phi(\mathbf{r}) = \frac{J_s}{4\pi} \int_{S_+ - S_-} \frac{dS'}{|\mathbf{r} - \mathbf{r}'|}. \quad (13)$$

از جمله دیده میشود  $\phi$  نسبت به  $z$  فرد است:

$$\phi(\rho, -z) = -\phi(\rho, z). \quad (14)$$

## 2 خُد-القایی

جریان - سطحی ی سیم-لوله ناشی از  $N$  حلقه ی جریان است. جریان هر حلقه را با  $I$  نشان میدهم:

$$J_s = \frac{NI}{h}. \quad (15)$$

سیم-لوله ای آرمانی، که بینهایت-دراز نیست

شار مغناطیسی ی مثر سیم-لوله (آن که مشتق زمانی ی ش نیرو-ی-محركه ی القایی ی سیم-لوله است) را با  $\Psi$  نشان میدهم.  $\Psi$  مجموع شار- مغناطیسیها بی ست که از حلقهها ی سیم-لوله میگذرند:

$$\Psi = \frac{N}{h} \int_{-h/2}^{h/2} (dz) \psi(z). \quad (16)$$

که  $\psi(z)$  شار- مغناطیسی بی ست که از حلقه ای در ارتفاع  $z$  میگذرد. به این ترتیب،

$$\Psi = \frac{N}{h} \int_{-h/2}^{h/2} (dz) \int_{\mathbb{S}} (dS) \hat{z} \cdot \mathbf{B}(\mathbf{r}). \quad (17)$$

که  $\mathbb{S}$  تصویر  $\mathbb{V}$  بر صفحه ی  $(z = 0)$  است. نتیجه میشود

$$\Psi = \frac{\mu_0 N}{h} \left[ h S J_s - \int_{\mathbb{S}_+ - \mathbb{S}_-} (dS) \phi(\mathbf{r}) \right]. \quad (18)$$

که  $S$  مساحت  $\mathbb{S}$  است.  $\phi$  نسبت به  $z$  فرد است. پس،

$$\Psi = \frac{\mu_0 N}{h} \left[ h S J_s - 2 \int_{\mathbb{S}_+} (dS) \phi(\mathbf{r}) \right]. \quad (19)$$

یا،

$$\Psi = \frac{\mu_0 N^2 I}{h} \left[ S - \frac{1}{2\pi h} \int_{\mathbb{S}_+} (dS) \int_{\mathbb{S}_+ - \mathbb{S}_-} \frac{dS'}{|\mathbf{r} - \mathbf{r}'|} \right]. \quad (20)$$

خُد-القایی ی سیم-لوله را با  $L$  نشان میدهم. :

$$L = \frac{\Psi}{I}. \quad (21)$$

به این ترتیب،

$$L = \frac{\mu_0 N^2 S}{h} (1 - \Upsilon). \quad (22)$$

$$\Upsilon = \frac{1}{2\pi h S} \int_{\mathbb{S}_+} (dS) \int_{\mathbb{S}_+ - \mathbb{S}_-} \frac{dS'}{|\mathbf{r} - \mathbf{r}'|}. \quad (23)$$

یا،

$$\Upsilon = \frac{1}{2\pi h S} \int_{\mathbb{S}} (dS) \int_{\mathbb{S}} (dS') \left( \frac{1}{|\boldsymbol{\rho} - \boldsymbol{\rho}'|} - \frac{1}{\sqrt{|\boldsymbol{\rho} - \boldsymbol{\rho}'|^2 + h^2}} \right). \quad (24)$$

مختصات قطبی  $\rho$  و  $\theta$  را با  $(p, \theta)$  نشان میدهم:

$$p = |\rho' - \rho|. \quad (25)$$

$$\int_{\mathbb{S}} dS' = \int_{-\pi}^{\pi} (d\theta) \int_0^{R(\rho, \theta)} (p dp). \quad (26)$$

که شعاع  $\mathbb{S}$  از نقطه  $\rho$  در جهت متناظر با زاویه  $\theta$  است: طول پاره-خطی که از  $\rho$  شروع میشود و در جهت متناظر با  $\theta$  تا مرز  $\mathbb{S}$  میرود  $R(\rho, \theta)$  است. البته ممکن است  $R(\rho, \theta)$ ، نسبت به  $\theta$  چند-مقدار باشد: ممکن است نیم-خطی که از  $\rho$  شروع میشود و در جهت متناظر با  $\theta$  است، مرز  $\mathbb{S}$  را در بیش از یک نقطه قطع کند. شکل دقیقتر (26) این است.

$$\int_{\mathbb{S}} dS' = \int_{t_1}^{t_2} (dt) \frac{d[\theta(t)]}{dt} \int_0^{\mathfrak{R}(\rho, t)} (p dp). \quad (27)$$

که  $t$  پارامتر خم برای مرز  $\mathbb{S}$  است، و  $\mathfrak{R}(\rho, t)$  فاصله  $\rho$  با نقطه ای از مرز  $\mathbb{S}$  است که متناظر با پارامتر  $t$  است:

$$\mathfrak{R}(\rho, t) = R[\rho, \theta(t)]. \quad (28)$$

روابط (25) و (26) را در (24) میگذارم. انتگرال بر  $p$  گرفته میشود:

$$\Upsilon = \frac{1}{2\pi h S} \int_{\mathbb{S}} (dS) \int_{-\pi}^{\pi} (d\theta) \{R(\rho, \theta) - \sqrt{[R(\rho, \theta)]^2 + h^2} + h\}. \quad (29)$$

$$1 - \Upsilon = \frac{1}{2\pi h S} \int_{\mathbb{S}} (dS) \int_{-\pi}^{\pi} (d\theta) \{\sqrt{[R(\rho, \theta)]^2 + h^2} - R(\rho, \theta)\}. \quad (30)$$

### 3 استوانه ی کوتاه

وقت ی ارتفاع استوانه خیل ی کمتر از مقیاس - طول نُعی ی قاعده ی استوانه است، بخش عمده ی انتگرال طرف - راست (30) از جاها بی میثاید که  $R(\rho, \theta)$  کوچک است، خیلی کوچکتر از مقیاس - طول نُعی ی قاعده ی استوانه. (30) را میشود چنین نوشت.

$$1 - \Upsilon = \frac{1}{2\pi h S} \int_{\mathbb{S}} (dS) \int_{-\pi}^{\pi} (d\theta) \int_0^h \frac{(dz) z}{\sqrt{[R(\rho, \theta)]^2 + z^2}}. \quad (31)$$

سیم-لوله ای آرمانی، که بینهایت-دراز نیست

برای  $R(\rho, \theta)$  خیل ی کوچکز از مقیاس- طول نُعی ی قاعده ی استوانه، مختصات  $(\xi, \eta)$  را برای  $\rho$  به کار میبرم، که  $\xi$  کمینه ی  $\rho$  از مرز  $\mathbb{S}$  است، و  $\eta$  مختصه ی طولی در راستا ی مرز  $\mathbb{S}$  است، چنان که  $(\eta = 0)$  متناظر با نزدیکترین نقطه به  $\rho$  بر مرز  $\mathbb{S}$  است. مبدئ ی برای  $\theta$  را هم هم ین نقطه میگیرم:

$$\xi = [R(\rho, \theta)] (\cos \theta) (1 + \dots). \quad (32)$$

$$dS = (d\eta) (d\xi) (1 + \dots). \quad (33)$$

بخش عمده ی انتگرال طرف- راست (31) از  $\theta$  ها ی نزدیک 0 میثاید. این بخش، با تغییر ناحیه ی انتگرال بر  $\theta$  به  $(-\pi/2, \pi/2)$  تغییر نمیکند. ناحیه ی انتگرال بر  $\theta$  را به  $(-\pi/2, \pi/2)$  تغییر میدهم، و متغیر  $\theta$  را به  $q$  تبدیل میکنم:

$$q = \sin \theta. \quad (34)$$

$$1 - \Upsilon = \frac{1}{2\pi h S} \int_{\mathbb{C}} (d\eta) \int_{-1}^1 (dq) \int_0^h (dz) z \int_0^D \frac{d\xi}{\sqrt{\xi^2 + z^2(1 - q^2)}} + \dots. \quad (35)$$

که  $\mathbb{C}$  مرز  $\mathbb{S}$  است، و  $D$  مقیاس- طول نُعی ی قاعده ی استوانه، در راستا ی عمود بر مرز قاعده ی استوانه، است. نتیجه میشود

$$1 - \Upsilon = \frac{C}{2\pi h S} \int_{-1}^1 (dq) \int_0^h (dz) z \sinh^{-1} \frac{D}{z\sqrt{1 - q^2}} + \dots. \quad (36)$$

که  $C$  محیط قاعده ی استوانه است. و چون  $h$  خیل ی کوچکز از  $D$  است،

$$1 - \Upsilon = \frac{C}{2\pi h S} \int_{-1}^1 (dq) \int_0^h (dz) z \ln \frac{2D}{z\sqrt{1 - q^2}} + \dots. \quad (37)$$

که نتیجه میدهد

$$1 - \Upsilon = \frac{Ch}{2\pi S} \ln \frac{\tilde{D}}{h} + \dots. \quad (38)$$

که  $\tilde{D}$  از مرتبه ی  $D$  است. پس میشود  $D$  را جایگزین آن کرد:

$$1 - \Upsilon = \frac{Ch}{2\pi S} \ln \frac{D}{h} + \dots. \quad (39)$$

به این ترتیب،

$$L = \frac{\mu_0 N^2 C}{2\pi} \ln \frac{D}{h} + \dots \quad (40)$$

یک راه دیگر برای به-دست-آوردن این رفتار-حدی، استفاده از شکل تقریبی میدان مغناطیسی ست. استوانه‌ی کوتاه را با یک سطح تخت تقریب می‌کنم، که مرکز آن سطح-جانبی‌ی استوانه (تقریب-شده با یک خم) است. میدان مغناطیسی در این سطح، در فاصله‌ی  $\xi$  از مرکز آن، وقت‌ی  $\xi$  بسیار بزرگتر از  $h$  و بسیار کوچکتر از  $D$  است، بخش غالبش میدان مغناطیسی‌ی حاصل از یک سیم بسیار دراز است که جریان  $(NI)$  از آن می‌گذرد:

$$B = \hat{z} \frac{\mu_0 NI}{2\pi\xi} + \dots \quad (41)$$

جاها‌ی دیگر، میدان مغناطیسی ضعیفتر است. به این ترتیب، بخش غالب شار مغناطیسی میشود انتگرال این میدان بر هم‌ین ناحیه (که  $\xi$  بین  $h$  و  $D$  است):

$$\Psi = \int_C (d\eta) \int_h^D \frac{\mu_0 N^2 I d\xi}{2\pi\xi} + \dots \quad (42)$$

که نتیجه میدهد

$$\Psi = \frac{\mu_0 N^2 IC}{2\pi} \ln \frac{D}{h} + \dots \quad (43)$$

این هم ان (40) است.

## 4 استوانه‌ی دراز

وقت‌ی ارتفاع استوانه خیل‌ی بیشتر از مقیاس-طول نعی‌ی قاعده‌ی استوانه است، (29) میشود.

$$\Upsilon = \frac{\Upsilon_1}{h} + \frac{\Upsilon_2}{h^2} + \dots \quad (44)$$

$$\Upsilon_1 = \frac{1}{2\pi S} \int_S (dS) \int_{-\pi}^{\pi} (d\theta) R(\rho, \theta). \quad (45)$$

$$\Upsilon_2 = -\frac{1}{2\pi S} \int_S (dS) \int_{-\pi}^{\pi} (d\theta) \frac{[R(\rho, \theta)]^2}{2}. \quad (46)$$

سیم-لوله ای آرمانی، که بینهایت-دراز نیست

دید می‌شود

$$\int_{\mathbb{S}} \frac{dS'}{|\boldsymbol{\rho}' - \boldsymbol{\rho}|} = \int_{-\pi}^{\pi} (d\theta) \int_0^{R(\boldsymbol{\rho}, \theta)} (dp). \quad (47)$$

یا،

$$\int_{\mathbb{S}} \frac{dS'}{|\boldsymbol{\rho}' - \boldsymbol{\rho}|} = \int_{-\pi}^{\pi} (d\theta) R(\boldsymbol{\rho}, \theta). \quad (48)$$

پس،

$$\Upsilon_1 = \frac{1}{2\pi S} \int_{\mathbb{S}} (dS) \int_{\mathbb{S}} \frac{dS'}{|\boldsymbol{\rho}' - \boldsymbol{\rho}|}. \quad (49)$$

که یعنی،

$$\Upsilon_1 = \frac{S}{2\pi} \left\langle \frac{1}{\mathfrak{D}} \right\rangle. \quad (50)$$

که  $\langle \mathfrak{X} \rangle$  میانگین  $\mathfrak{X}$  (بر مساحت) است، و  $\mathfrak{D}$  فاصله ی دُ نقطه (هر-دُ در  $\mathbb{S}$ ) از هم است. همچنین،

$$S = \int_{-\pi}^{\pi} (d\theta) \frac{[R(\boldsymbol{\rho}, \theta)]^2}{2}. \quad (51)$$

پس،

$$\Upsilon_2 = -\frac{S}{2\pi}. \quad (52)$$

## 5 مثالها

این حالت - - خاصها را بررسی میکنم، که تقارن حل مسئله را سادتر میکند.

### 5.1 استوانه ی دوار

مقطع استوانه یک دایره به شعاع  $a$  است. پس

$$S = \pi a^2. \quad (53)$$

این مسئله تقارن سمتی دارد. محور  $z$  را هم ان محور تقارن میگیرم، و مختصات قطبی  $y$  متناظر با  $\rho$  را با  $(\rho, \varphi)$  نشان میدهم. در (29) و (30)،

$$\int_{\mathbb{S}} (dS) = \int_{-\pi}^{\pi} (d\varphi) \int_0^a (\rho d\rho). \quad (54)$$

$$R(\rho, \theta) = -\rho \cos \theta + \sqrt{a^2 - (\rho \sin \theta)^2}. \quad (55)$$

این تغییر-متغیر از  $(\rho, \theta)$  به  $(u, v)$  را به کار میبرم.

$$u = \rho \cos \theta. \quad (56)$$

$$v = \rho \sin \theta. \quad (57)$$

پس،

$$R(\rho, \theta) = -u + \sqrt{a^2 - v^2}. \quad (58)$$

طرف راست را با  $\tilde{u}$  نشان میدهم:

$$\tilde{u} = -u + \sqrt{a^2 - v^2}. \quad (59)$$

و (30) چنین میشود.

$$1 - \Upsilon = \frac{1}{\pi h a^2} \int_{-a}^a (dv) \int_{-\sqrt{a^2-v^2}}^{\sqrt{a^2-v^2}} (du) (\sqrt{\tilde{u}^2 + h^2} - \tilde{u}). \quad (60)$$

یا،

$$1 - \Upsilon = \frac{1}{\pi h a^2} \int_{-a}^a (dv) \int_0^{2\sqrt{a^2-v^2}} (d\tilde{u}) (\sqrt{\tilde{u}^2 + h^2} - \tilde{u}). \quad (61)$$

که میشود

$$1 - \Upsilon = \frac{1}{\pi h a^2} \int_{-a}^a (dv) \left[ \sqrt{a^2 - v^2} \sqrt{h^2 + 4(a^2 - v^2)} + \frac{h^2}{2} \sinh^{-1} \frac{2\sqrt{a^2 - v^2}}{h} - 2(a^2 - v^2) \right]. \quad (62)$$

سیم-لوله ای آرمانی، که بینهایت-دراز نیست

متغیر  $v$  را به  $\alpha$  تبدیل میکنم، و پارامتر  $s$  را تعریف میکنم:

$$v = a \sin \alpha. \quad (63)$$

$$s = \frac{2a}{h} \quad (64)$$

و (62) میشود

$$1 - \Upsilon = f(s). \quad (65)$$

که،

$$f(s) = \frac{2}{\pi s} \left[ -\frac{2s^2}{3} + \int_0^{\pi/2} (d\alpha) g(s, \alpha) \right]. \quad (66)$$

$$g(s, \alpha) = s (\cos^2 \alpha) \sqrt{1 + s^2 \cos^2 \alpha} + (\cos \alpha) \sinh^{-1}(s \cos \alpha). \quad (67)$$

### 5.1.1 استوانه ی دوار: ارتفاع کم

در این حالت، ارتفاع استوانه خیل ی کوچکتر از شعاع استوانه است:

$$h \ll a. \quad (68)$$

یعنی،

$$s \gg 1. \quad (69)$$

به این ترتیب،

$$g(s, \alpha) = s^2 \cos^3 \alpha + (\cos \alpha) \ln(2s \cos \alpha) + \frac{\cos \alpha}{2} + \dots \quad (70)$$

$$f(s) = \frac{2}{\pi s} (\ln s + \beta + \dots). \quad (71)$$

$$\beta = 2 \ln 2 - \frac{1}{2}. \quad (72)$$

رابطه ی (71) را با رابطه ی (39) مقایسه میکنم:

$$C = 2\pi a. \quad (73)$$

$$\frac{C}{2\pi S} = \frac{1}{\pi a}. \quad (74)$$

$$\frac{Ch}{2\pi S} = \frac{2}{\pi s}. \quad (75)$$

همچنین،

$$D \sim a. \quad (76)$$

$$\frac{D}{h} \sim s. \quad (77)$$

و البته، ضمنن،

$$\ln \frac{D}{h} \sim \ln s + \beta. \quad (78)$$

پس (71) با (39) سازگار است.

## 5.1.2 استوانه ی دوار: ارتفاع زیاد

در این حالت، ارتفاع استوانه خیل ی بزرگتر از شعاع استوانه است:

$$h \gg a. \quad (79)$$

یعنی،

$$s \ll 1. \quad (80)$$

به این ترتیب،

$$g(s, \alpha) = 2s \cos^2 + \frac{s^3 \cos^4 \alpha}{3} + \dots. \quad (81)$$

$$f(s) = 1 - \frac{4s}{3\pi} + \frac{s^2}{8} + \dots. \quad (82)$$

سیم-لوله ای آرمانی، که بینهایت-دراز نیست

رابطه ی (82) را با رابطه ی (44) مقایسه میکنم. از (45) و (55) دیده میشود

$$\begin{aligned}\Upsilon_1 &= \int_0^a \frac{\rho d\rho}{S} \int_{-\pi}^{\pi} (d\theta) [-\rho \cos \theta + \sqrt{a^2 - (\rho \sin \theta)^2}], \\ &= \frac{4a^3}{3S} \int_0^{\pi/2} (d\theta) \frac{1 - \cos^3 \theta}{\sin^2 \theta}, \\ &= \frac{4a^3}{3S} \int_0^{\pi/2} (d\theta) \frac{1 + \cos \theta + \cos^2 \theta}{1 + \cos \theta}.\end{aligned}\quad (83)$$

که نتیجه میدهد

$$\Upsilon_1 = \frac{8a}{3\pi}. \quad (84)$$

$$\frac{\Upsilon_1}{h} = \frac{4s}{3\pi}. \quad (85)$$

از (52) هم نتیجه میشود

$$\frac{\Upsilon_2}{h^2} = -\frac{s^2}{8}. \quad (86)$$

روابط (85) و (86) نشان میدهند (82) با (44) سازگار است.

## 5.2 استوانه ای که قاعده اش یک نوار نامحدود است

قاعده ی استوانه یک نوار نامحدود به پهنا ی  $w$  است (مقطع استوانه دُ خط- راست موازی- با- هم است). پس  $S$  بینهایت میشود. این مسئله تقارن انتقالی دارد. به جا ی  $L$  (خُد-القایی)، خُد-القایی- بر- طول (در راستای موازی- با- نوار) را به کار میبرم. خُد-القایی- بر- طول را با  $\ell$  نشان میدهم. مختصات دِکرتی ی  $\rho$  را با  $(x, y)$  نشان میدهم، محور  $x$  را موازی با نوار، و لبها ی نوار را  $(y = 0)$  و  $(y = w)$  میگیرم. رابطه ی متناظر با (22) میشود

$$\ell = \frac{\mu_0 N^2 w}{h} (1 - \Upsilon). \quad (87)$$

که،

$$\Upsilon = \frac{1}{2\pi h w} \int_0^w (dy) \int_0^w (dy') \int_{-\infty}^{\infty} (d\zeta) \Xi. \quad (88)$$

$$\Xi = \frac{1}{\sqrt{\zeta^2 + (y - y')^2}} - \frac{1}{\sqrt{\zeta^2 + (y - y')^2 + h^2}}. \quad (89)$$

پس،

$$\begin{aligned} \Upsilon &= \frac{1}{2\pi h w} \int_0^w (dy) \int_0^w (dy') \ln \frac{(y - y')^2 + h^2}{(y - y')^2}, \\ &= \frac{1}{2\pi h w} \left( w^2 \ln \frac{w^2 + h^2}{w^2} - h^2 \ln \frac{w^2 + h^2}{h^2} + 4 h w \tan^{-1} \frac{w}{h} \right). \end{aligned} \quad (90)$$

یا،

$$\Upsilon = \frac{1}{2\pi} [\varsigma \ln(1 + \varsigma^{-2}) - \varsigma^{-1} \ln(\varsigma^2 + 1) + 4 \tan^{-1} \varsigma]. \quad (91)$$

$$\varsigma = \frac{w}{h}. \quad (92)$$

### 5.2.1 استوانه ای که قاعده اش یک نوار نامحدود است: ارتفاع کم

در این حالت، ارتفاع استوانه خیلی کوچکتر از پهنا ی نوار است:

$$h \ll w. \quad (93)$$

یعنی،

$$\varsigma \gg 1. \quad (94)$$

به این ترتیب،

$$1 - \Upsilon = \frac{\ln \varsigma}{\pi \varsigma} + \dots. \quad (95)$$

این را با (39) مقایسه میکنم:

$$\frac{C}{S} = 2w. \quad (96)$$

$$\frac{Ch}{2\pi S} = \frac{1}{\pi \varsigma}. \quad (97)$$

سیم-لوله ای آرمانی، که بینهایت-دراز نیست

همچنین،

$$D \sim w. \quad (98)$$

$$\frac{D}{h} \sim \varsigma. \quad (99)$$

پس (95) با (39) سازگار است.

## 5.2.2 استوانه ای که قاعده اش یک نوار نامحدود است: ارتفاع زیاد

در این حالت، ارتفاع استوانه خیل ی بزرگتر از پهنا ی نوار است:

$$h \gg w. \quad (100)$$

یعنی،

$$\varsigma \ll 1. \quad (101)$$

به این ترتیب،

$$\Upsilon = \frac{-\varsigma \ln \varsigma}{\pi} + \dots. \quad (102)$$

این را نمیشود مستقیمَن با (44) مقایسه کرد. چون اینجا  $S$  بینهایت میشود، و در نتیجه  $\Upsilon_1$  و  $\Upsilon_2$  بینهایت میشوند. بستگی ی  $\Upsilon$  به  $h$  توانی نیست:

$$\Upsilon = \frac{w}{\pi h} \ln \frac{h}{w} + \dots. \quad (103)$$

## 6 پانوشتها